

فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۴۰، پیاپی ۱۳۰، زمستان ۱۳۹۷

نقش طلا در جامعه و فرهنگ عصر ساسانی^۱

فرهاد نام برادرشاد^۲

تاریخ ارسال: ۹۷/۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۳۰

چکیده

اردشیر بنیان‌گذار حکومت ساسانی، ساختار اداری نوینی برای حکومت ایجاد کرد. شاهان ساسانی به مانند اسلاف پارسی‌شان، سکه نقره و طلا ضرب می‌کردند. طلا در حکم واحد پولی دوم، در کنار و کمک کار نقره بود. گزارش‌ها از حجم عظیم طلای ساسانی که به خزانه می‌رسید، خبر می‌دهند. طلا برای هزینه‌های نظامی و جنگ‌ها، دستمزدها، باج‌ها، به عنوان یادبودهای فرهنگی و یا به صورت زیورآلات... مورد استفاده بود. به گواهی منابع، در این دوره بیشترین طلای جهان تهیه و تدارک و جذب می‌شد و تقریباً همه مسیرهای تجارت طلا در جهت قلمرو ساسانیان بود. (لقب یا مقام؟) زربد، شاهدهی براین مدعاست که عقیده محققان در نمایشی و تشریفاتی بودن طلای ساسانی مورد شک قرار گیرد. این مقام اداری جدید با تصویر عمومی منابع تاریخی، مناسب و همخوان است. بنابراین، باید نقش طلای ساسانی و کارکردش در فرهنگ و جامعه ساسانی، با ارزیابی دقیق و رویکردی نوین مورد پژوهش قرار گیرد. این

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2018.22421.1791

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه شهید بهشتی، کارشناس اسناد سازمان اسناد و کتابخانه

ملی ایران؛ farhad.1363@gmail.com

مقاله سعی در واکاوی کاربرد اجتماعی و اقتصادی طلا و بازنگرایی در کارایی و رواج آن در اقتصاد و جامعه ساسانی دارد. همچنین درصدد نقض این فرضیه قدیمی است که طلای ساسانی در ضرب سکه و نیز اقتصاد دولتی و جامعه مذهبی ساسانی نقشی نداشته است.

واژه‌های کلیدی: دولت ساسانی، اقتصاد سیاسی، طلا و نقره، سکه‌شناسی، ضرب سکه.

مقدمه: نگاهی به کاربرد سکه‌های طلا در دوره ساسانی

نظام مبادله‌ی پایاپای که از گذشته بسیار دور در ایران وجود داشته است، در دوره ساسانی نیز رونق خود را از دست نداد و در سطوح محلی مانند روستاها برای معامله به کار می‌رفت. علاوه بر این نظام، ساسانیان در تجارت بین‌المللی از سکه‌های مختلف استفاده می‌کردند. در این راستا آنها به فکر استاندارد کردن وزن و بالا بردن عیار سکه‌ها بودند. سیاست‌های اقتصادی دولت و تلاش‌های پی‌گیر شاهان ساسانی در سامان دادن صنعت سکه، سبب شد درهم (نقره) ساسانی از چندان اهمیت و جذابیتی در بین جامعه برخوردار گردد که حتی در ممالک دوردستی مانند هندوستان، از سکه‌های ساسانی تقلید کنند.^۱ چنان که در سکه‌های شاپور اول نمایان است، سکه‌های ساسانی گاه در زیبایی با سکه‌های رومی برابر بود (سلوود، ۱۳۸۱، ج ۳ قسمت اول: ۴۳۰ و نفیسی، ۱۳۸۳: ۳۱۰). سکه طلا و عموماً طلا به اشکال مختلف در کنار سکه نقره به عنوان مکملی در مناسبات اقتصادی این دوره به‌ویژه در رابطه با امپراتوری روم، کاربردی بیش از پیش پیدا کرد. چنین امری مؤید قدرت اقتصادی و اعتبار حکومت ساسانی در نظر همسایگان بود (ابراهیم‌زاده، ۱۳۵۰: ۳۴). در سکه‌های این دوره به نسبت سکه‌های ضرب‌شده در گذشته، تغییراتی در پیکرنگاری هر دو سوی سکه، ترکیبات گوناگون آنها در پیدایی عناصر تازه، تکریم و تقدیس فزاینده آنها در نوشتار و سرانجام در شیوه و سبک آنها می‌توان مشاهده کرد. (سلوود، ۱۳۸۱، ج ۳ قسمت اول: ۴۲۹) گاهی اوقات نیز ضرورت ایجاب می‌کرد که ضرب مسکوکات افزایش پیدا کند؛ مانند زمان‌هایی که حکومت ایران درگیر جنگ با همسایگان از جمله امپراتوری روم می‌شد. خسرو دوم مقدار معتناهی سکه ضرب کرد که هزینه جنگ طولانی با روم تأمین شود (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۷). البته در مواقعی که کشور دچار بحران اقتصادی شدید می‌شد، افزایش ضرب مسکوکات همراه با دخول غش و ناخالصی در سکه‌ها بود. چنین عواملی باعث تضعیف مناسبات اقتصادی با کشورهای همسایه و در نتیجه باعث رکود تجارت می‌شد و حتی جذابیت آن نیز در بین جامعه کم

شده و دوباره معاملات پایاپای و استفاده از اشکال مختلف فلز طلا و نقره به کار گرفته می‌شد. گرچه متولیان ضربخانه‌ها ظاهراً کم کردن خلوص سکه را برای تسلط بر بحران و گریز از آن می‌پنداشتند، اما مشتریان و بازرگانان بین‌المللی، از این مسئله آزرده خاطر می‌شدند. به همین دلیل این نوع سکه‌ها خیلی زود از بازار خارج می‌شد.^۱

سکه در شاهنشاهی ساسانیان عمدتاً به عنوان یک وسیله اقتصادی و البته ابزار تبلیغی و فرهنگی مهم به شمار می‌رفت و برخلاف سکه‌های اشکانی و رومی نمایانگر رویدادهای سیاسی و نظامی دوره خود نبود. با وجود این باید اندیشه سیاسی این دوره را نیز در ضرب برخی سکه‌ها دخیل دانست (سلوود، ۱۳۸۱، ج ۳ قسمت اول: ۴۲۹). در رابطه با ضربخانه‌ها هم باید اشاره کرد که ضربخانه‌های ساسانی در شهرهایی قرار داشتند که از لحاظ تجاری دارای اهمیت فراوان بودند، (Michael.L., 1997, Vol VI, Pp15-41) از جمله ایران خوره‌شاپور، آمل، اردشیرخوره، اسپهان، تیسفون، نیشابور، ری، گرگان، دارابگرد، هرات و... منابع از حدود ۱۰۰ ضربخانه در قلمروی ساسانیان نام می‌برند که معمولاً با حروف اختصاری شناخته می‌شدند (آلتهایم، ۱۰۹، ۱۳۸۲-۹۵). در مواقعی شاهان ساسانی کوششی در جهت بهبود وضعیت سکه‌ها نیز انجام می‌دادند. از این گذشته، بی‌گمان مقدار زیادی از فلزی که در سکه‌زنی به کار می‌رفته، از گداختن سکه‌های داخلی یا خارجی (آلرام، ۱۳۹۲: ۲۱-۳۹) و از غنایم و منابع گوناگون دیگر به دست می‌آمد (سلوود، ۱۳۸۱، ج ۳ قسمت اول: ۴۳۹). همین امر یکی از دلایلی است که موجب کمیاب شدن سکه‌های نخستین ساسانی شده است. از سکه‌های کوچک تری (با عیار کمتر) نیز برای دادن عطایا و بخشش نمودن در بین مردم استفاده می‌شد که عبارت‌اند از دیوبول (نیم درهم)، اوبول یا دانگ (یک ششم درهم) (همان، ۴۳۵).

امروزه این عقیده رایج در بین محققان دوره ساسانیان وجود دارد که سکه‌های طلای این دولت در مقدار بسیار محدودی و آن هم برای جشن‌ها و مناسبات خاص ضرب می‌شده است که تأثیری در چرخه و گردش اقتصاد ساسانیان نداشته است. علاوه بر این نیز معتقدند که رابطه‌ای بین طلا و نقره ساسانی نبوده یا حداقل این رابطه تا به حال ناشناخته باقی مانده است. این مورخان ادعا می‌کنند که شواهد موجود نشان می‌دهد که اساساً سکه طلا برای استفاده در جشن‌ها، دادن هدایای افتخاری یا به صورت نشان برای اعیان شاهنشاهی و غیره ضرب گردیده و چندان در چرخه پولی ساسانیان نقشی را ایفا نمی‌کرده است (Schindel, 2007, ۶۷۵-۶۸۹) و اغلب آنها شکل خاصی

۱. قانون گرمش که می‌گوید «پول خوب، پول بد را از گردش خارج می‌کند». (سلوود، ۱۳۸۱، ج ۳ قسمت اول: ص ۴۴۰).

داشته‌اند. با توجه به گفته‌های این مورخان می‌توان برداشت کرد که ساسانیان در این دوره بیشتر تمایل به جمع‌آوری طلا برای غنی کردن خزانه داشتند تا این که سعی شود از آن به عنوان ابزاری برای فعال کردن هرچه بیشتر اقتصاد کشور استفاده شود. این در حالی است که با غور در منابع، می‌توان به برداشتی متفاوت از کاربرد طلا در این دوره رسید. این برداشت نیاز به بررسی دوباره نقش طلا در جامعه ساسانی، نه فقط در شکل سکه‌های طلا، بلکه در شکل شمش و دیگر کاربردهای فرهنگی اجتماعی آن دارد. این پژوهش با توجه به ضرورت مطرح شده در پی واکاوی این مسئله می‌باشد.

پیشینه پژوهش

سیلوستر دوساسی فرانسوی از نخستین مورخان بود که با شیوه مطالعاتی نوین به مطالعه سکه‌های ساسانی و ایرانی پرداخت. پس از وی هر تسفلد توانست تاج‌های شاهان ساسانی را طبقه‌بندی کند و دریافت که هر شاه تاج مخصوص به خود داشته است. اما سکه‌شناسی ساسانی با تحقیقات پاروخ^۱ (Paruk, D.J 1924)، روبرت گوبل (Gobl, 1971) و فیلیپ ژینیو (Gignoux, 1996, 76-66) و در نسل بعدی محققان با پژوهش‌های میشل آلام (Aram, 1999, 76-66)، نیکلاس شیندل (۶۸۹- Schindel, 2007, ۶۷۵) و آندره گریلیدی (Gariboldi, 2007, 435-415) به پختگی رسید. در این بین مقالات و کتاب گوبل - با عنوان «سکه‌شناسی ساسانی» با وجود حجم تقریباً کم، از تمام زوایا به سکه ساسانی نگریسته است - با وجود قدمت آن، به علت جامعیت، از اهمیت بسیاری برای سکه‌شناسی این دوره برخوردار و مرجع تحقیقات دیگر شده است. آلتهایم در کتابش (آلتهایم، ۱۳۸۲، ۱۰۹) به این موضوع به صورت برداشتی کوتاه پرداخته و اشاره می‌کند که ساسانیان اساساً به هخامنشیان استناد می‌کردند و به دلیل شهرت طلبی ضرب طلا را یک ضرورت می‌دیدند. ایشان دلیل دیگر برای ضرب و استفاده از سکه طلا را نتیجه لشکرکشی‌هایی حکومت ساسانی بر ضد کوشان‌ها و به شمال هندوستان - که ضرب طلا در آنجا بیشتر معمول بود - می‌داند، چون تحرکات نظامی در این مناطق فقط با طلا می‌توانست به راه انداخته شود. به همین دلایل با ضرب اندک سکه طلای ساسانی موافق نیست. همچنین گریلیدی نیز در مقاله‌اش به کارکرد سکه‌های طلا و نقره در این دوره و تشریح نسبت‌های ارزشی آنها در قبال همدیگر در طول دوران این دولت پرداخته و نیز به ارتباط واحدهای وزنی پر کاربرد و رایج این دوره با واحدهای وزنی آتیکی و بعداً واحدهای رومی و بیزانسی معتقد و پرداخته است. وی نیز به کاربرد و رواج طلا در این دوره معتقد بوده و برداشتش این است که در قلمرو شاهنشاهی ساسانی که بیشترین طلای

جهان تدارک و جذب می‌شده، طلا و سکه طلای ساسانی نمی‌توانسته صرفاً نقش و وظایف نمایش داشته باشد. این برداشت‌ها و آرای نوین محققان، راقم این سطور را راغب به تحقیق جامع‌تر و یافتن مصادیقی در اثبات این مسئله نمود.

نقش طلا در سیاست‌های اقتصادی دولت ساسانی

بسیاری از مورخان به کمبود منابع طلا و غیرمرسوم بودن استفاده از این فلز گران‌بها در دوره ساسانی اذعان داشته و دارند (آلرام، ۱۳۹۲: ۲۸). اما در برخی از منابع اوایل اسلامی (طبری، ۱۳۸۹: ۲۰۲-۲۱۴ و نلدکه، ۱۳۵۸: ۵۳۷-۵۳۸ و نیز (Blokley, 1985, 71-63) این روایت نقض شده است و تا حدودی تصویری روشن از کاربرد طلا در شاهنشاهی ساسانی ارائه می‌شود (Grison, 1992, 146-137). منابع از استفاده از اجناس زرین، که زرق و برق خاصی به دربار داده‌اند، خبر می‌دهند چنان‌که خزاین خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸ م.) از گنجینه‌ها و نفایس عظیمی تشکیل شده بود که هر کدام در اذهان و سنن شفاهی مردم تا قرن‌ها بعد با عناوین مختلفی شهرت پیدا کرده و منتقل می‌شد (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۳۳۱-۳۳۴).

احتمالاً در اقتصاد توسعه‌یافته ساسانیان، نسبت ثابتی میان سکه‌های طلا و نقره یا عمدتاً شمش وجود داشته است، تا جایی که این امر می‌توانست متنوع و یا وابسته به فلزات در دسترس و سیاست‌های عمومی حکومت باشد. بنابراین، این مسئله مطرح است که چگونه بایستی ارزش یک سکه دینار (طلا) را در ارتباط با یک سکه درهم (نقره) برآورد کرد و چه ارتباطی بین طلا و نقره در وزن آنها وجود داشته است. روشن شدن این ارتباط، می‌تواند به درک بهتر ارزش طلا در اقتصاد عصر ساسانی کمک کند. ابتدا بایستی توجه کنیم که ساسانیان وارث نظام وزنی آتیک (یونانی) بودند. می‌توان گفت که روند تغییر بین طلا و نقره می‌توانست شبیه به واحد آتیک قدیمی یک به بیست باشد. ضرورتی هم نداشت که ساسانیان از منشأ یونانی آن آگاهی داشته باشند. به علاوه، این نسبت، رابطه ۱ به ۲۰ دوره هخامنشی بین دریک و شیکل را به یاد می‌آورد. این در حقیقت میراث فرهنگی هلنیستی در ایران بود که تنها با حمله تازیان کنار زده شد. ساسانیان الگوهای شرقی مانند کوشانیان در آسیای میانه و هند را داشتند که به ضرب سکه طلا پرداخته بودند. چنان‌که در دوران ویمه کدفیزیس (حک ۹۰-۱۰۰ پ.م) فرمانروای کوشانی، دیناری در حدود ۸ گرم ضرب می‌شد و سکه نقره ضرب نمی‌کردند (لوکونین، ۱۳۸۴: ۲۱۳-۲۴۰). اگرچه احتمالاً نظام پولی ساسانیان در این زمینه مستقل و بی‌ارتباط با کوشان‌ها بود، ولی باید اذعان کرد اصلاحات و ابداعات اردشیر بابکان مؤسس دولت ساسانی و شاپوراول در رابطه با ایجاد نسبت یکسان بین طلا و نقره در ضرب

سکه، نمی‌توانست تماماً مستقل و جدا از اقتصاد رومی و کوشانی باشد (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۱۳-۲۴۰). به ویژه این که هدف بنیان‌گذار دولت ساسانی، حیات دوباره به ضرب سکه در ایران زمین بود که در دوره پارتی‌ها به سطح پایینی تنزل یافته بود. از جمله اصلاحاتی که برای یکسان کردن وزن دینار به نسبت درهم به کار رفت، می‌توان به کم کردن وزن دینار از ۴/۵۵ گرم به ۴/۲۵ گرم اشاره کرد که باعث درخواست و تمایل بیشتر به آن گردید (Miles.C, 1991, 136-123).

با توجه به منابع دوران ساسانی و منابع اوایل دوره اسلامی و همچنین تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی، مورخان این دوره به این نتیجه رسیده‌اند که در قلمرو شاهنشاهی ساسانی به نسبت امپراتوری روم، معادن طلای کمی یافت می‌شد. گرچه در این رابطه نباید قابلیت و مهارت رومی‌ها را برای استخراج این نوع معادن از نظر دور داشت، ولی در عوض آگاهی‌های زیادی در مورد معادن نقره در ایران دوره ساسانی در منابع یافت می‌شود (Morony, 1993, 37-25). بنابراین کمبود معادن طلا در قلمروی ایران از جمله عواملی است که باعث کمیابی سکه‌های دینار به نسبت نقره ساسانی شده است، تا جایی که این امر می‌توانست باعث در مضیقه قرار گرفتن ساسانیان در امر ضرب سکه دینار شود و مسائلی برای دولت ساسانی به وجود آورد. البته باید به این مسئله هم اشاره کرد که کمبود منابع طلا شاید امری مهم در ترغیب شاهان ساسانی برای به دست آوردن طلا و یا به جریان انداختن آن در معاملات بین‌المللی بوده که در زیر به این مقوله نیز پرداخته می‌شود.

در دوره ساسانیان، مقدار زیادی طلا به صورت سوبسید، باج، فدیّه و همچنین هدیه میان رومیان و ایران رد و بدل می‌گردید. به گواهی تاریخ، در این دوره سیاست شاهان این سلسله، به خصوص شاهان قدرتمند، بر این مبنا قرار گرفته بود که راه ورود طلا به قلمرو خود را بگشایند. این سیاست نه فقط در زمان‌هایی که میان ایران و همسایگان خود به ویژه امپراتوری روم صلح برقرار بود، بلکه در برهه‌هایی نیز، که میان آن‌ها درگیری در جریان بود، اجرا می‌شد. چنان‌که در طی جنگ‌های ایران و روم غنایم بسیاری (از جمله طلاهای رومی) از شهرهای رومی که به تصرف طرف ایرانی درمی‌آمد، در اختیار ساسانیان قرار می‌گرفت (پروکوپوس، ۱۳۴۷: ۹۱-۹۳).

برخی از شاهان ساسانی برای برطرف کردن کمبود طلای کشور و جلوگیری از بالا رفتن ارزش آن در تناسب با نقره در زمان‌های کمبود و حتی برای پرداخت باج به دیگر کشورها، حاضر می‌شدند قلمروهای فتح‌شده در اراضی روم را بازپس داده و به جای آن مقادیر معتناهی طلا و احياناً خدماتی از اسرای آنها دریافت دارند. چنان‌که در سال ۵۴۰ میلادی خسرو اول پس از تصرف مناطق بزرگ و استراتژیک در مرزهای شرقی روم، حاضر شد شهر انطاکیه را در قبال ۱۰ کنتاریا (برابر با صد پوند) طلا، و هریک از دو شهر کلسیس (همان، ۱۳۵-۱۳۹) و ادسا (همان،

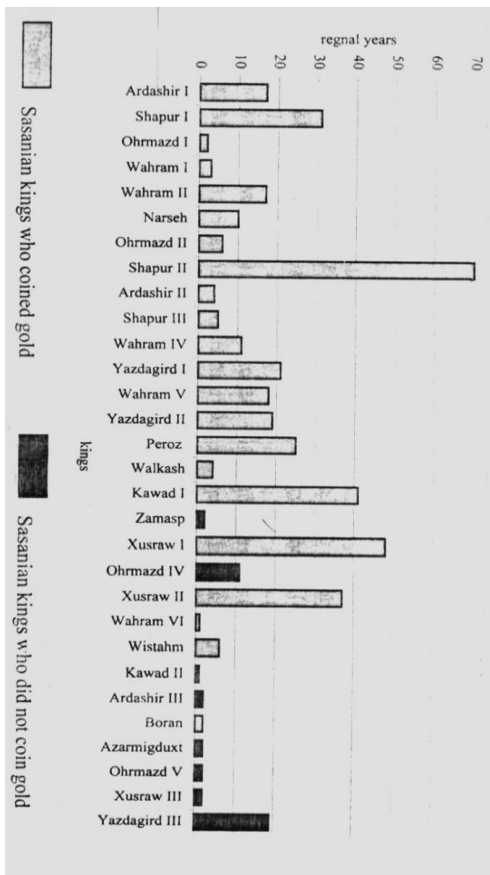
(۱۷۹) را در قبال دویست پوند طلا بازپس دهد (پروکوپوس، ۱۳۴۷: ۱۴۸ و ۱۵۲ و نیز دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۳). در این رابطه باید به قراردادهای صلح که میان دو قدرت بزرگ عصر باستان بسته می‌شد، توجه کرد که اطلاعات مه، می در این زمینه به دست می‌دهند. به عنوان نمونه در سال ۵۳۲ میلادی در صلحی که به «صلح بی‌پایان» معروف گردید، بیزانسی‌ها مجاب شدند سالی یازده هزار پوند طلا پرداخت کنند. البته این سخن زمان‌هایی مصداق پیدا می‌کند که جنگ با پیروزی ایرانیان خاتمه می‌یافت. چنان‌که پروکوپوس در کتاب *جنگ‌های ایران و روم* بارها از مقدار طلا و نقره‌ای که رومیان بایستی به ساسانیان باج دهند، سخن رانده است. این کتاب مشحون از باج‌هایی است که امپراتوری روم شرقی می‌بایست برای آزادی شهرها، رعایا و املاک تحت تصرف سربازان ایرانی پرداخت می‌کرد (پروکوپوس، ۱۵۵، ۱۳۴۷-۹۵). با بررسی پرداختی‌های روم به‌خصوص در سده‌های سوم، ششم و اوایل سده هفتم میلادی، می‌توان آمارهای بعضاً عجیبی از سرازیر شدن عظیم ثروت و حرکت طلا از غرب (بیزانس) به شرق (ایران) را مشاهده کرد. اگرچه غنایم جنگی به عنوان یکی از منابع درآمد دولت ساسانی به شمار می‌رفت، اما همان‌طور که گفته شد این منبع درآمد در زمان‌هایی حاصل می‌شد که سپاهیان ایران در نبرد با رومیان به پیروزی دست می‌یافتند. بنابراین غنایم جنگی منبع درآمدی همیشگی برای حکومت ساسانی نبود، اما در بودجه ساسانیان و برای برطرف کردن کمبودهای طلای ایران اهمیت بسزایی داشت (Gariboldi, 2007, 435-415) و به نظر می‌رسد در این دوره استفاده از طلا در اقتصاد و جامعه ایران، بایستی ارزش دوباره‌ای یافته باشد.

دولت ساسانی نظارت قوی بر سکه‌های نقره داشت. علاوه بر آن، سکه‌های طلا نیز تحت کنترل و نظارت دولت بود. هر چند به نظر می‌آید که شواهد آن اندک است.^۱ چنان‌که آمده است شاپور دوم شاهنشاه ساسانی (۳۰۹-۳۷۹ م.)، برای جلوگیری و سد کردن راه اقوام صحراگرد هنگام ورود به قلمرو ایرانشهر، ناچار شد مدت زیادی در مرو اقامت کند. در این مدت در شرق ایران دینارهایی به منظور پرداخت هزینه‌های جنگ و هم‌چنین دینارهایی برای کار تجارت و بازرگانی ضرب شد (Grirson, PH, 1992, 146-137) که می‌بایستی در تجارت کالا به کار رود. اکثر شاهان

۱. سکه‌ی طلای دوره اردشیر اول ساسانی از طلای هم عصر خود در روم (آثوری) سنگین‌تر بود. ولی از سکه طلای کوشانی سبک‌تر بود. معیار وزن این سکه‌ها هنوز نامعلوم است. ساسانیان بعد از تصرف بلخ از کوشان‌ها در دور شاپور اول، به ضرب سکه‌ی طلا با شکل آتشکده مزدایی بر آن، پرداختند. طلای ساسانیان از مدل‌های سکه طلای رومی تأثیر پذیرفته است. بنگرید به:

Nikolaus, Shindel, (2004), «Kowad I», Encyclopaedia Iranica, Vol V, p324.

ساسانی سکه‌های دینار ضرب کرده‌اند و تنها چند شاه در دوران حکومت‌شان سکه طلا ضرب نکردند که دلایل آن هم نامشخص است (Gariboldi, 2007, 435-415). شاهنشاهی که سکه طلا ضرب نکرده‌اند، تقریباً دوران سلطنت آن‌ها به اواخر دوره ساسانی یعنی به نیمه اول قرن هفتم میلادی بازمی‌گردد. در دوره جاماسب، هرمزد چهارم، بهرام ششم، قباد دوم (شیرویه)، اردشیر سوم، آرمیدخت، هرمزد پنجم، خسرو سوم و یزدگرد سوم سکه طلا به دلایل نامعلومی ضرب نگردید.



با توجه به نمودار^۱ که نشانگر ضرب سکه‌های طلا در طول دوره حکومت پادشاهان ساسانی است، می‌توان به این نتیجه رسید که عدم ضرب سکه توسط پادشاهان اواخر ساسانی به بحران‌های داخلی حکومت برمی‌گردد که در زمینه جانشینی ایجاد شده بود. در این دوره، پادشاهان یا بازیچه دست سرداران بودند یا تمام طول دوره سلطنت‌شان به جنگ برای بقای بر تخت بودنشان و نگه داشتن مشروعیت حکومت آنها گذشت. پس می‌توان نتیجه گرفت طلا با معیارهای معلوم و مقبول، تقریباً در طول سلطنت همه شاهان ساسانی البته با مقیاس بسیار کمتری در برابر با ضرب سکه نقره ضرب می‌گردیده است.

اخیراً محققان در تفسیر سکه‌های دو

چهره تجدید نظر نموده، و این عقیده را بیان کرده‌اند که این نوع سکه‌ها، متداول و در میان سربازان پیروز منتشر می‌شد. بنابراین باید گفت که طلا به جز ویژگی نمایشی و تشریفاتی خود، که کمیابی آن در بالا رفتن ارزشش بی‌تأثیر نبوده است، با اشکال و شمایل‌های شرعی خاص،

۱. نمودار از مقاله «طلا و نقره در اقتصاد ساسانی» آندره گریبلدی اخذ گردیده است.

می توانست به عنوان سکه های جشن پیروزی ساسانیان بر رومیان، ضرب شده باشند (Sears, 1999, 167-149). پس دیگر نمی توان از کاربرد نمایشی طلا سخن گفت. وزن این دینارها حدود ۴/۵ گرم بوده است، گرچه ممکن بود این اوزان به دلایل مختلف اندکی تغییر کنند. ضربخانه های بسیاری از دوره ساسانی شناسایی شده است که با بررسی آن ها می توان به این نتیجه رسید که دینارها تا پایان قرن پنجم میلادی علایم فرهنگی و شمایل نگاری های اسطوره ای شبیه به هم داشتند (Gariboldi, 2007, 435-415). چندین ضربخانه نیز که در قلمرو ساسانیان پراکنده بودند که سکه های طلا ضرب می کردند و تحت نظارت شاه بودند. به عقیده ای، دینارها حداقل در دوره پیروز ساسانی، در سطح بالایی توزیع می شدند. بعد از سلطنت پیروز (۴۵۹-۴۸۴ م.) به نظر می رسد که تمایلی در تمرکز تولید طلا وجود داشت و براساس شواهد سکه شناسی، ضربخانه AY (ایران خوره شاپور)، نقش مهمی را در این مورد بازی می کرد (Nikolaus, 2007, 689-675).

در حقیقت ساسانیان همراه با ضرب سکه نقره، که ضرب و چرخش آن در ایران در استمرار با دوره های قبل از ساسانی بود، مقداری هم سکه طلا ضرب می کردند که البته این مقدار به اندازه ضرب سکه نقره نبود. براین اساس کاربرد دینارها در اقتصاد ساسانی به اندازه نقره ها، خاص نبوده است و نباید از دید کمیّت استفاده نقره در این دوره به چرخش طلا در بازار و در دست مردم نگریست.

پس از مرگ پیروز، شاهنشاه ساسانی، در اثنای جنگ با هپتال ها (در سال ۴۸۴ م.) ساسانیان تا مدتی مجبور بودند به آنها باج بپردازند. این بحران (Alramand, Gyselen, 1997) باعث پایین آمدن وزن و خلوص سکه های ساسانی شد و وزن دینارهای پیروز از ۴/۸ به ۳/۷ گرم و درهم ها به حدود ۴ گرم تنزل پیدا کرد (Gariboldi, 2007, 435-415). پس از پیروز ساسانی ها تا دوران قباد اول (۴۸۸-۵۳۱ م.)، به دلایلی از جمله شکست از هپتال ها به همراه پرداخت باج سنگین به آن ها، کشته شدن شاه در میدان جنگ، قحطی و جنگ های نافرجام، اقتصاد دولت ساسانی رو به رکود گذاشته بود و تأثیرات این بحران در صنعت سکه نیز قابل مشاهده است؛ چرا که حکومت ساسانی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میلادی می بایست به هپتالی ها باج پرداخت می کرد. همین امر از سوئی باعث شده بود که طلا در کشور کم شود و از دیگر سو باعث کند شدن روند معاملاتی شد که با طلا صورت می گرفت. ولی چنین عواملی هیچ وقت به حذف و یا از دور خارج شدن طلا منجر نگردید و محققان هیچ دلیلی مبنی بر توقف استفاده از این فلز در بین اصناف مختلف اجتماعی و اقتصادی ارائه نکرده اند. گرچه ممکن است در دوره مورد بحث، غیر از

کاهش وزن سکه‌های طلا و نقره، ضرب سکه‌های نقره به نسبت سکه‌های طلا افزایش پیدا کرده باشد، اما اطلاعاتی که سکه‌شناسی به دست می‌دهد نشان از آن دارد که در قرن ششم و هفتم میلادی، وزن سکه‌های ساسانی (اعم از طلا و نقره) دوباره به شرایط زمان پیش از بحران بازگشت. البته باید این مسئله را در نظر گرفت که کاربرد طلا در این دوره را نباید محدود به ضرب سکه کرد. احتمالاً در زمان کمبود سکه زرین، طلا می‌توانست به شکل شمش برای پرداخت‌های بزرگ و به صورت زیورآلات، ظروف و وسایلی که در معاملات قابل استفاده باشند، کاربرد پیدا کند (Gariboldi, 2007, 435-415).

کاربرد و اهمیت طلا در فرهنگ و جامعه ساسانی بر اساس متون پهلوی

فلیپ ژینیو سند پهلوی مهمی را که روی ابریشم نوشته شده بود، منتشر کرده است. این سند بخشی از مجموعه متون اقتصادی دوره ساسانی را دربر می‌گیرد که در برکلی نگه‌داری می‌شود. سند مذکور، رسید پرداخت ۱۰۰ دیناری است که به ونداد پسر منوچهر از خانه حاکم (؟) (دهیوبد) پیرگ^۱ در مساعدت به بهرام پسر روشن گشنسب، در حضور یک شخص با صلاحیت فراکستار^۲ به نام گوشنوار تحویل داده شده است (Gariboldi, 2007, 435-415). این سند ارزشمند نشان می‌دهد که طلا در مناسبات اقتصادی و اجتماعی ساسانی، نقش بسزایی را ایفا می‌کرده است.

کاربرد طلا را در این دوره نباید به ضرب سکه از سوی دولت وقت محدود کرد. منابع شیوه دیگری را در داد و ستد با طلا روایت می‌کنند که از نظر و در نتیجه‌گیری بسیاری از محققان این دوره به دور مانده است. این شیوه استفاده کردن از طلا می‌بایست به دلایل مختلفی از جمله به خاطر کمبود طلا، داشتن اهمیت مذهبی و استراتژیک و یا به علت ارزش ذاتی آن بوده باشد. در ماتیکان هزار دادستان، به عنوان مجموعه‌ای از فتاوی حقوقی، در فصل هبه به طور صریح از استفاده و کاربرد طلا در زندگی خصوصی بازی می‌کرد، آمده است: «از نقره‌ای که به دست خواهیم آورد و از طلایی که (احتمالاً به صورت شمش) به دارایی منتقل می‌شود، اجازه یک مقدار مشخص به ارزش ۲۰۰ درهم با شماست! اما او طلا دریافت نکرد، سپس او بایستی ۷۰ درهم نقره بفرستد» (وهرامان، ۱۴۰، ۱۳۹۱). احتمالاً شخصی که مبلغ بزرگ‌تر را قول داده، امیدوار است طلای بیشتری به دست آورد، که این اتفاق نیفتاد. بنابراین او بایستی ۷۰ درهم بدهد تا برای تهیه طلا هزینه کند، زیرا طلا با ارزش بود. اما در این نمونه، او طلا و نقره را سرجمع ۲۰۰ درهم ذکر کرده

1. Pirag
2. Faraxtar

است و طلا تقریباً متعلق به اوست، اما نقره هنوز مورد نظر است، «او بایستی نصف طلا و نصف نقره بفرستد» (همان، ۱۴۰). براین اساس، روشن شد که طلا، یا به شکل سکه و یا به صورت شمش و بشقاب... می توانست به جای سکه به کار رود بدون اینکه ارزش آن در قیاس با سکه نزول کند. این از ویژگی های خوب این فلز بود که نشان از اعتبار عیار بالای طلای ساسانی داشت. طبق گزارش *ماتیگان*، هدایا هم به شکل طلا و هم به شکل نقره بودند و حتی دارایی و ثروت شخص را به طلا و یا نقره تبدیل می کردند. طلا به خصوص برای احترام ویژه به دربار شاه و در تمجید از ایدئولوژی شاهانه، مناسب بود. بنابراین برای بسیاری از مردم طلا نشان توانایی و قدرت بود، که البته این قدرت ممکن بود از او گرفته شود.^۱ این گفته پروکوپوس که «برای هر کسی (در ایران) پوشش حلقه، کمر بند یا سنجاق سینه طلا یا هر چیز از این رقم غیر قانونی است، به استثنای شخصی که ارزش اشیاء وی، به وسیله شاه محاسبه شده باشد» (پروکوپوس، ۱۳۴۷: ۸۳) متناقض با اخبار مطالب *ماتیگان هزار دادستان* و دیگر متون پهلوی است که مالکیت اشیاء طلایی را قانونی و مشروع می دانند. احتمالاً محدودیت های نقل شده توسط پروکوپ، مربوط به طلاهای قدیمی باشد که نشان قدرت، افتخار و شهادت اجتماعی بودند.

بعضی فصول کتاب دینکرد، مهم ترین متن دینی زرتشتیان، نماد توجه به این موضوع است و به خوبی وظیفه خطیر فلز را (در این مورد طلا) برای دین و همچنین جامعه ساسانی انعکاس می دهد. فلزات در میان والاترین موجودات خلق شده اند و به وسیله خدا با انسان، حیوانات، گیاهان، آتش، خاک و آب ایجاد گشته و مستحق توجه و سیاست بزرگ اند. به علاوه، مغان بایستی همیشه اشیاء فلزی رسمی و تزیینی را بسیار تمیز و درخشان نگه دارند (دینکرت، ۱۳۸۶، کتاب پنجم، فرگرد ۱۹، بند ۲۰۹). علاوه بر تقدس فلز، که به پیوند آن با حوزه و قلمرو شاهی دلالت می کرد، در مورد ارزش آن در بند ۲۰ فرگرد نوزدهم دینکرد آمده است «مخصوصاً باید از دادن تیغ ها و همچنین دیگر فلزات گرانبها به انیران و به کسانی که کارهای خلاف عدالت می کنند پرهیز کرد» و نیز در بند ۲۱ «باید از دفن کردن و بی مصرف و زنگ زده و صیقل نداده و نگه داشتن فلزات گرانبها پرهیز کرد و باید از سپردن آن به ناشایستگان پرهیز کرد.» (دینکرت، ۱۳۸۶، کتاب پنجم، فرگرد ۱۹، بند

۱. مانند فرمانده جنگی ایران (آزارس)، که از خاندان مهران بود، در دوره قباد اول که نشان افتخار از طلا و مروارید داشت. اما چون در جنگ با بیزانسی ها در نبرد دارا شکست خورد، از افتخارات خود محروم شد. (جنگ های ایران و روم، ص ۸۳).

۲. در آن بیان شده که اگر یک جام کثیف شد، اگر طلا باشد یک بار و اگر نقره، دوبار، و اگر آهن سه بار باید شسته شود.

۹). این گفته، به شکل واضح مشخص می‌سازد که دادن طلا و نقره به غیر ایرانیان و مردمان غیرزرتشتی ممنوع است. همین دستورات دینی بایستی در زندگی عمومی مردم آن عصر جاری و به کار بسته شده باشد.

نیکولاس سیمز ویلیامز به تازگی متن‌هایی تحت عنوان اسناد باختری (بلخی) (Sims-Williams, 2000, 160) انتشار داده است که غالباً در قالب قراردادها و جریمه‌های است که برای تخلف از مفادشان تعیین می‌شود. به طور کلی جریمه یکسانی باید به مقامات و طرف قرارداد پرداخت می‌شد. از جمله در صورت تخطی از قرارداد ازدواج، ۴۰ دینار باید جریمه داده می‌شد. سندی بسیار اخیر به تاریخ ۷۲۳ میلادی که اجازه می‌دهد ارزش یک درهم نقره را نسبت به طلا تخمین بزنیم، چون متن سخن از ۱۰۰ دینار جریمه می‌گوید که به بریدگ و ۵۰۰ درهم که به طرف قرارداد باید پرداخت شود. چون این مبالغ در شرایط عادی برابر بودند و می‌توانیم استنباط کنیم که یک دینار معادل ۵ درهم بوده است (ژینیو، ۱۳۹۲: ۱۶۸-۱۷۶). این کاملاً متفاوت از ارزشی است که دینار در غرب ایران در آن زمان داشت؛ یعنی حدود ۱۱/۲ درهم که در فرهنگ پهلویگ آمده است. فقط می‌توان گمان کرد که پول طلا در آنجا گران‌تر از جاهای دیگر بوده است.

ریکا گیزلن یافته‌هایی از شواهد اهمیت طلا در اقتصاد ساسانی منتشر کرده است (Gyselen, 2004, 72-49) که نشان دیگری از رواج و کاربرد طلا در اقتصاد و معاملات این دوره است. وی از عنوان (مقام؟) جالب زربد،^۱ بر روی یک مهر ساسانی در ارمنستان و بعضی ایالت‌های همسایه دیگر پرده برمی‌دارد. تاکنون این مقام رسمی، ناشناخته بوده است، که محتمل است برای استفاده و یا بهره‌برداری از معادن ایجاد شده باشد. دارنده مهر، نامش در پنج ولایت در ایالت ارمنیای شاهنشاهی ساسانی کنده شده است. به علاوه، اداره زربد، مسئول قلمرو گسترده‌ای در جنوب کوکاس^۲ (شمال غربی ارمنستان - قفقاز)، آردان (شمال و شرق)، و یروزان^۳ (شمال)، سیکان (جنوب شرق) و مرز نساوان^۴، که محل آن مشخص نیست، بود. درباره ایالت‌های دیگر دولت ساسانی، خبر موثقی برای این مقام نداریم؛ اما نمی‌توانیم آن را هم به حساب نیاوریم. ارمنستان برای شاهان ساسانی، اهمیت بسیاری داشت. این توجه نه تنها برای موقعیت جغرافیایی و استراتژیک آن، بلکه برای معادن طلا و نقره غنی‌اش بود. وقتی در سال ۳۸۷ م ارمنستان بین ایران و

۱. (ZLPTY). «رئیس طلا»

2. Caucasus.
3. Wirozan.
4. Marznesawan.

روم تقسیم گردید، معادن مشهور طلای فارانژیون تحت کنترل ساسانیان ماند. در نتیجه، مقام اداری جدید زربد با تصویر عمومی منابع تاریخی و شواهد، مناسب و همخوان است.

نتیجه گیری

سلسله ساسانی و شرایط ویژه اجتماعی این دوره، زمینه کمک کننده‌ای برای رشد صنعت فلزات (به تبع آن گسترش ضرب سکه‌ها) و نیز آموزش و ترقی در آنها را فراهم آورد. زیرا هم رفاه مادی و آسایش درونی و به‌ویژه تجمل پرستی شاهان ساسانی، انگیزه رونق و رواج صنعت سکه گردید و هم برخورد های مرزی و پیکارهای درازمدت ایران و روم، لازمه بهبود و گسترش دستگاه ضربخانه (و در کنار آن، صنایع دیگر) شد. نقره کاران و طلاکوبان روزگار ساسانی، ناموران جهانی بودند که این صنعت را به درجه بسیار بالایی از لحاظ فنی رساندند. سکه‌های ساسانی به‌عنوان فرآورده‌های فنی و هنری ایران آن دوره، از طریق دیگر کشورهای متمدن آن روزگار، از خاور تا باختر پراکنده شد.

در این مقاله سعی گردید تا براساس برداشت غیرمتفاوتی از منابع و نیز استفاده و دقت بیشتر در منابع پهلوی، به ارائه تحلیل جدیدی در این رابطه، که نباید برای طلای دوره ساسانی صرفاً نقشی نمایشی و تشریفاتی قائل شد، دست یافت. بیشتر شاهان ساسانی، براساس سکه‌های مکشوفه این دوره، در دوران سلطنت خود سکه طلا ضرب کرده‌اند. البته در زمان جنگ از این فلز برای پرداخت مستمری به سربازان یا مزدوران استفاده شده است. نکته‌ای که کمتر به آن توجه شده این است که نباید تصور کرد طلای ساسانی تنها به صورت سکه می‌توانست ارزش معاملاتی داشته باشد، بلکه طلا به علت ارزش ذاتی‌اش به اشکال مختلف مانند زیورآلات، جام، سینی... هم به کار می‌رفت و ارزش و قابلیت انتقال داشت و برای پرداخت بدهی یا بهای کالا، هدیه در جشن‌های متعدد دینی ساسانی، همچنین به عنوان یادبود جشن پیروزی بردشمن و یا به مثابه مدال لیاقت به افراد مورد عنایت شاه (و حتی برای مبادله با نقره)، استفاده می‌شد. در پرتو سیستم اقتصادی ساسانیان و با توجه به برشی از منابع که از دید محققین مغفول مانده بود، هم اکنون باید گفت کمبود طلا در این دوره ناشی از فقدان معادن طلا نبود، بلکه تنها کمبود در ضرب سکه‌های طلا بوده است. البته در این بین نباید پراکنش و فراوانی استفاده از این فلز را در همه مناطق مختلف و جغرافیای پهناور شاهنشاهی ساسانی یکسان ارزیابی کرد. چنان‌که گفته شد به گزارش منابع چرخش طلا به اشکال مختلف در ولایات ارمنیا به دلیل معادن غنی طلا و در حوزه بین‌النهرین به عنوان دل ایرانشهر و سرریز شدن غنایم جنگی به پایتخت و در خوزستان به دلیل حضور اسرای

جنگی، بیشتر از ایالات دیگر بوده باشد. بدیهی است که کاربرد دینارها در کل جغرافیای اقتصادی دولت و جامعه فرهنگی ساسانی به اندازه نقره‌ها، گسترده و مورد پذیرش نبوده است و نباید از دید کمیّت استفاده از نقره در این دوره به چرخش طلا در بازار و در دست مردم نگریست. این موضوع محققین را بر آن داشته که به تشریفات بودن طلا در این دوره متقاعد شوند. همان‌گونه که کمبود نقره در دولت روم نیز وجود داشته است.

با این شرح، تا حدودی مسئله کمی ضرب سکه‌های طلا در این دوره روشن می‌گردد. گرچه تمایل به جمع‌آوری و غنی کردن خزانه از طلا و نقره، در برابر به جریان انداختن آن و ارتباط بین کالاها، چهره بنیادی اقتصاد باستان و به خصوص ایران دوره ساسانی بوده، ولی با این توضیحات می‌توان گفت که امروزه بایستی نقش طلا در اقتصاد و جامعه ساسانی، مهم و حیاتی ارزیابی شود و بیش از گذشته مورد تحقیق و پژوهش مورخان قرار گیرد. البته با وجود کمبود معادن طلا در قلمرو ساسانی و به تبع آن کمبود سکه‌های طلا، احتمالاً وظیفه تجملی سکه‌ها و اشیاء طلایی کاهش نیافته و این فلز کمیاب و گرانبها، تنها برای تجمل به کار نرفته است.

در آخر نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که طلای رومی از گذشته دور، در غرب قلمرو ساسانیان مورد استفاده و کاملاً جاافتاده بود. در شرق، سکه نقره به‌عنوان واحد پولی پایه دولت ساسانی و به‌عنوان مکمل طلای رومی در مبادلات به کار می‌رفت و کمتر به رقابت جویی پرداخته‌اند. احتمالاً نقش هر دو فلز برای دو امپراتوری ایران و روم تلویحاً مشخص بوده است. از این منظر نباید ارزش طلا را در اقتصاد ساسانی با ارزش نقره مقایسه کرد.

منابع و مأخذ

- ابراهیم زاده، سیروس (۱۳۵۰). **شاهان ساسانی، اقتصاد و فرهنگ ایران**، تهران: نشر کمیته جشن شاهنشاهی.
- آلتهایم، فرانتس (۱۳۸۲). **تاریخ اقتصاد دولت ساسانی**. هوشنگ صادقی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- آلرام، میثائل (۱۳۹۲). «**خستین سکه‌های ساسانی**»، در **ساسانیان**، وستا سرخوش و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر مرکز. صص ۲۱-۳۹.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). **شاهنشاهی ساسانی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس.
- _____ (۱۳۸۳). **سقوط ساسانی**. ترجمه منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، تهران: انتشارات تاریخ ایران.
- **دینکرت** (۱۳۸۶)، ترجمه، آوانویسی و پژوهش ژاله آموزگار و احمد تفضلی. تهران: نشر معین.

- ژینیو، فیلیپ، (۱۳۹۲) «قیمت‌ها و درهم‌ها در اواخر دوره ساسانیان» در *ساسانیان*، وستا سرخوش و سارا استوارت. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر مرکز. صص ۱۶۸-۱۷۶.
- سامی، علی (۱۳۴۲). *تمدن ساسانی*. تهران: انتشارات پهلوی.
- سلوود، دیوید (۱۳۸۱). «سکه‌های ساسانی»، *کمبریج (مجموعه تاریخ ایران)*. ج ۳. قسمت اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۵). *تاریخ الرسل و الملوک*. ترجمه و تحقیق علیرضا شاپورشهبازی. تهران: نشر مرکز دانشگاهی.
- قیسری، پرو کوپوس (۱۳۴۷). *جنگ‌های ایران و روم*. ترجمه محمد سعیدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۸). *ایران در زمان ساسانیان*. رشید یاسمی. تهران: نشر صدای معاصر.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ (۱۳۸۴). *تمدن ایران ساسانی*. ترجمه عنایت‌الله رضا. تهران: علمی فرهنگی.
- مارسلینوس، آمیانوس (۱۳۱۰)، *جنگ شاپورذوالاکتاف با یولیانوس امپراتور روم*. ترجمه محمدصادق اتابکی. تهران: انتشارات اداره شورای نظام.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۳). *تاریخ تمدن ساسانی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- نلدکه، تئودور (۱۳۵۸). *تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان*. عباس زریاب‌خویی. تهران: انجمن آثار ملی.
- وستا سرخوش و سارا استوارت (۱۳۹۲). *ساسانیان*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر مرکز.
- وهرامان، فرخ مرد (۱۳۹۱). *ماتیکان هزار دادستان*. ترجمه تحقیق سعید عریان. تهران: نشر علمی.

References

- Altheim, F. 2004. *Tārīkhī Iktishād Dūlati Sāsānī*. H. Şādīkī. (Translator). 'Ilmī wa Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Alram, M. 2014. *Nukhustīn Sīkīhāyī Sāsānī*. P: 21-39. K. Fīrūzmand. (Translator). Markaz, Tehran. (In Persian) (**Part of Book**)
- Alram, M., R. Gyselen. 1997. *Sylloge Nummorum Sasanidarum*. Paris-Berlin-Wien, Band1, Ardashir- ShapurI, Wien. (**Book**)
- (Anonymous). 2008. *Dīnkart*. Zh. Āmūzīgār. & A. Tafaḍulī. (Translators & Editors and Alliterated). Mu'tin, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Blokley, R.C. 1985. *Subsides and Diplomacy: Rome and Persian in Late Antiquity*. Phonix, Vol. 39, No.1. (**Journal**)
- Christensen, A. 2000. *Īrān dar Zamānī Sāsānīyān*. R. Yāsīmī. (Translator). Şīdāyī Mu'āşir, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Daryāī, T. 2005. *Shāhanshāhīyī Sāsānī*. M. Thakībfar. (Translator). Kuḵnūs, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- _____. 2005. *Suḳūṭī Sāsānī*. M. Itihādīyih. & F. Amīr Khānī. (Translators). *Tārīkhī Īrān*, Tehran. (In Persian) (**Book**)

- Gariboldi, A. 2007. Gold and Silver in the Sassanian Economy. P: 415-435 5th European Conference of Iranian studies 2003, Bologna: University Ravenna, Italy. **(Part of Book)**
- Gignoux, P. Dinar. Encyclopedia Iranica, Vol VII. **(Encyclopedia)**
- Gignoux, Ph. 2014. Kiyathā wa Dirhamhā dar Awākhiri Dūriyi Sāsānīyān. P: 168-176. K. Firūzmand. (Translator). Markaz, Tehran. (In Persian) **(Part of Book)**
- Gobl, R. 1971. Sasanian Numistics, P. Severin. (Translator). Wurburg, Vienna. **(Book)**
- Grirson, Ph. 1992. The Role of Silver in the Early Byzantine Economy. P: 137-146. Ecclesiastical Silver Plates in Six- Century Byzantium, Washington. **(Book)**
- Gyselen, R. 2001. Economy IV in the Sasanian Period. Encyclopedia Iranica Vol. VIII. **(Encyclopedia)**
- Gyselen, R. 2004. New Evidence for Sasanian Numistics the collection of Ahmad Saedi, P: 49-72. Res Orientales XVI, Bures-Yvette. **(Part of Book)**
- Ibrāhīm Zādi, S. 1972. Shāhāni Sāsānī, Iktisād wa Farhangi Irān. The Committee Celebration of the Persian Empire, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Kiyārī, P. 1969. Djanghāyi Irān wa Rūm. M. Sa'īdī. (Translator). Bungāhi Tardjumih wa Nashri Kitāb, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Loukonine, V.G. 2006. Tamaduni Irāni Sāsānī. 'I. Riḍā. (Translator). 'Ilmī wa Farhangī, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Marcellinus, A. 1932. Djāngi Shāpūr Dhulkitāf bā Yūliyānūs Impirātūri Rūm. M.S. Atābakī. (Translator). Idāriyi Shūrāyi Nizām, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Miles G.C. 1991. Dinar. The Encyclopedia of Islam II, P: 123-136. Leiden. **(Encyclopedia)**
- Morony, M. 1993. The late Sasanian Economic Impact on the Arabian Peninsula. Name- Je Iran Bastan, Vol 1c No2, P: 25-37. **(Journal)**
- Nafīsī, S. 2005. Tārīkhi Tamaduni Sāsānī. Asāthīr, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Nöldeke, T. 1980. Tārīkhi Irānīyān wa 'Arabhā dar Zamāni Sāsānīyān. 'A. Zaryāb Khūi. (Translator). Andjūmani Āthāri Millī (Society for the National Heritage of Iran) "SNH", Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Paruk, Furdonjee D.J. 1924. Sasanian Coin. The Time Press, Bombay. **(Book)**
- Sāmī, 'A. 1964. Tamaduni Sāsānī. Pahlawī, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Sarkhūsh, V., S. Stuart. 2014. Sāsānīyān. K. Firūzmand. (Translator). Markaz, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Schindel, N. 2004. Kowad I. Encyclopedia Iranica, Vol V, P: 324. **(Encyclopedia)**
- Schindel, N. 2007. The Sasanian Eastern Wars in the 5th Century, the Numistic Evidence; P: 675-689 5th European Conference of Iranian Studies 2003, Bologna: University Ravenna, Italy. **(Book)**
- Sears. S. 1999. Monetary Revision and Monetization in the Late Sassanian Empire. Matriaux Pour l Histoire Economiquo du monde Iranian, StudIranica, Cahir21, P: 149-167. Paris. **(Journal)**
- Sellwood, D. 2003. Sikihāyi Sāsānī; Cambridge History of Iran. Vol. 3. Part. 1. Amīr Kabīr, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Sims-Williams, N. 2000. Bactrian Document from Northern Afghanistan I, legal and Economic Document, CII Part II, Vol. VI, London. **(Book)**
- Steohen, A., M.L. Bate. 1997. Coin and Coinage Encyclopedia Iranica, Vol. VI, P: 15-41. **(Encyclopedia)**
- Ṭabarī, M.Dj. Tārīkh al-Rusul wa al-Mulūk. Sh. Shahbāzī. (Editor). Markazi Dānīshgāhī, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Wahrāmān, F.M. 2013. Mātkāni Hizār Dādstān. S. 'Uryān. (Editor & Translator). 'Ilmī, Tehran. (In Persian) **(Book)**